

خارج از کشور تنها در صورتی میتوانند حرکتی داشته باشند که بعنوان "پشت جبهه" نبرد مسلحانه خلق ما در رابطه مشخص با سازمانها و گروههاییکه در داخل کشور علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه میکنند، کلیه امکانات مادی و معنوی خود را در اختیار "جبهه نبرد" بگذارند. (از پیام سازمان مجاهدین خلق ایران به رفقا، اعضا، اتحادیه های دانشجویی، دانشجویان مبارز) ما معتقدیم که سازمانها و گروههای سیاسی-دانشجویی در خارج از کشور فقط زمانی قادرند در راه فعالیتهای مبارزه جویانه انقلابی قدم بردارند که بر پایه مواضع سیاسی ایدئولوژییشان در موضع پشت جبهه سازمانها و گروههای انقلابی داخل قرار گرفته و براین مبنی عمل نمایند.

مابسم خویش و با تمام قوا در این راه قدم بر میداریم.

۳- در راه انجام وظایف مبارزاتی ما در پهنه خارج از کشور ما دست همکاری تمام نیروهای رزمنده خلقی و بویژه آن عناصر و نیروهائی که بر مبنی درک صحیحی از وظایف گروه ها و سازمانهای سیاسی-دانشجویی در خارج از کشور، خود را در موضع پشت جبهه قرار داده و بر این مبنی صادقانه عمل مینمایند، صمیمانه میفشاریم.

۴- ما جمعبندی از گذشته خویش را در اختیار جنبش قرار خواهیم داد.

۵- از این پس ما مبارزه متشکل و متعهد خود را تحت عنوان "گروه دانشجویان و روشنفکران کمونیست" که واقعیت رفقای متشکل در گروه، واقعیت حیطه عمل گروه و مواضع سیاسی-ایدئولوژیک آنها بطور مشخص و دقیق بیان میسازد ادامه خواهیم داد.

گروه دانشجویان و روشنفکران کمونیست

ژانویه ۱۹۷۷

تحول ایدئولوژیک

سازمان مجاهدین خلق ایران

یک پیروزی بزرگ

جنبش مارکسیستی-لنینیستی ایران

ضربه کاری به

اپورتونیسم مسلط در جنبش خارج

"... آموزش پذیری از تحول ایدئولوژیک سازمان ما"
 "تنها در چهارچوب منافع طبقاتی عناصر و گروههای"
 "مبارز میسر و ممکن است. از این رو نباید هیچ"
 "امیدی به آن عنصر یا فلان گروه فرصت طلب بست"
 "که وراء منافع پست فردی و گروهی و بدون یک"
 "انتقاد سخت و عملی از خود بتواند این مطالب را"
 "درک کند." (نقل از مجاهد شماره ۶)

پس از تحول ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران و انتشار
 "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک" آن اکثریت رهبری کادرها و اعضای
 گروه "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر" (که در این دوران
 دچار بحران عمیق درونی بود) تحت تأثیر این رخداد تاریخی و مواضع
 و مشی تبلور شده در بیانیه و با اعلام سمت گیری جدید سیاسی مبنی
 بر فعالیت در خدمت نیازهای س.م.خ.ا.، توانستند حیات گروه "اتحاد
 مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر" را تضمین نمایند.

این سمت گیری جدید گروه، که حرکتی بود برای بریدن از اپورتونیسم
 غالب در جنبش خارج از کشور، در بطن خویش یک حرکت متضاد بین
 گذشته و راه آینده را حمل میکرد. حرکت اکثریت قاطع رفقا که صادقانه
 در این راه جدید قدم برمیداشتند و تضاد آن با حرکت سد کنند
 و عقب گرای تعداد عناصر انگشت شماری که تصور میکردند با لــــم
 دادن به س.م.خ.ا. قادرند به "حیات سیاسی" خویش ادامه
 دهند، ماهیت واقعی این معدود عناصر فرصت طلب را آشکار ساخت.
 بوته آزمایش به روشنی نشان داد که حرکت اولیه این عناصر برای
 فعالیت در خدمت خواستها و نیازهای سازمان مجاهدین خلق ایران و
 استقبال آنان از مواضع و مشی این سازمان، نه از خواستی صادقانه
 بلکه از موضعی اپورتونیستی انجام گشته است و اینان با فرصت طلبی
 کامل با مشاهده خواست و حرکت صادقانه رفقای گروه، از موضع

استیصال در مقابل بحران داخلی و با رویاهائی طلائی بزیر پرچم
 خدمت به خواستها و نیازهای س.م.خ.ا. خزیده بودند. زیرا زمانی که
 بطور مشخص مقابل وظایف چنین سمتگیری جدید و نتایج آن قرار گرفتند
 به جایگاه اصلی خود بازگشته و در مرداب متعفن اپورتونیسم خارج به
 توجیه "تئوریک" زندگی بی بار خویش مشغول شدند. برای این توجیه
 و فرار از واقعیات خشنی که یک مبارزه جدی میطلبد، این معدود عناصر
 فرصت طلبی که در کوی و برزن سنگ دفاع از س.م.خ.ا. و خدمت به
 آنرا به سینه میزدند، از "سمت گیری صحیح سازمان مجاهدین خلق
 در جهت پیوند سیاسی تشکیلاتی با زحمتکشان و جنبش خود بخودی
 طبقه کارگر، درک روشن ضرورت سمت گیری، تلاش در شناخت و کشف
 قانونمندیهای آن، دریافتن راه های عملی مشخص، در سازماندهی و
 فراهم آوردن وسایل مؤثر انجام این وظیفه مبرم" و از درک وسیع
 سازمان مجاهدین خلق ایران از "مبارزه مسلحانه که بر تجربه و شواهد
 عینی، بر جمعبندی از دست آوردهای جنبش نوین انقلابی ایران مبتنی
 است" (از اعلامیه "گروه" اتحاد...) استقبال میکردند و
 س.م.خ.ا. را "تبلور سازمان یافته مشی مارکسیستی ایران"
 (از یک سند داخلی گروه "اتحاد...") میدانستند، بدو و ن
 برداشتن کوچکترین قدم عملی در صحنه اصلی نبرد، دوباره به یار
 ارشاد "نظری؟؟" جنبش افتاده اند و هم چون دیگر جریانات
 اپورتونیستی در خارج از کشور در صدر "تعیین مشی راه
 انقلاب ایران؟؟" هستند.

بدنبال این تحولات، اکثریت قریب به اتفاق این گروه (اعضاء،
 فعالین و بخشی از رهبری) اعلام میدارد که:

۱- این معدود عناصر کاریبريست فرصت طلب را امروز ما از صفوف
 خود طرد کرده ایم.

۲- با حرکت از این اصل درست که "گروهها و سازمانهای